

# منشکره ۵۵

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۳۸۹ آذر

۲۶ نوامبر ۲۰۱۰

خالد حاج محمدی

## "آنها با خشم فریاد میکشند"

در حاشیه مرگ ۲۹ معدنچی

مرگ ۲۹ معدنچی نیوزیلند که از جمعه ۱۹ نوامبر در عمق زمین گرفتار شدند، با انفجار نوم در روز چهارشنبه ۲۴ نوامبر قطعی شد. هراس خانواده کارگران قربانی پس از یک هفته انتظار و امید به حق به بغض و خشم تبدیل شد. این فاجعه طعم شیرین نجات ۳۳ معدنچی شیلیایی را از بین برد و این حقیقت را لخت و عریان در مقابل بشریت قرار داد که نجات ۳۳ کارگر شیلیایی در دنیای سیاه سرمایه استثناء است و مرگ این ۲۹ کارگر قاعده‌ای قاعده است زیرا روزانه به کرات از این اتفاقات به انحاء مختلف می‌افتد و حتی خبر آن پخش نمیشود. مرگ کارگر معدنچی در اعماق زمین بخشی از زندگی کارگران معدن است. بی‌ارزشی جان انسان در منطق سرمایه را بیش از هر جا در وضعیت کارگران معدن میتوان دید.

آمار تلفات کارگران در اعماق زمین، در معدن طلا، ذغال، فولاد، مس و... قتلگاه و گورستانهای دسته جمعی کارگران، سر به صدا نفر در سال میزند. در هفته گذشته ۳ کارگر در معدن طلای اکواور و ۱۲ کارگر در معدن ذغال ویرجینیای آمریکا جان باختند و البته از ۲۱ نفر ۲ صفحه ۲

اعلامیه حزب حکمتیست

## ۱۶ آذر، حقانیت افق و پرچم کمونیستها

۱۶ آذر نزدیک است و بار دیگر نگاهها به دانشگاه دوخته شده است. بار دیگر بحث و تبادل نظر در جمع و محافل مختلف در مورد ۱۶ آذر و دوره های مختلف جدال و کشمکش و چه باید کرد در مقابل همه نیروهای جدی و دخیل و همه فعالین و شخصیتها به ویژه در خود دانشگاهها راه افتاده است. این طبیعی ترین توقع و انتظاری است که می رود. دانشگاه در پنج سال گذشته بیش از هر زمان مورد توجه بوده است. دانشگاه و

آذر مدرسی

## افغانستان، پایان جنگ تروریستها؟



پس از گذشت نه سال از حمله نیروهای امریکا و ناتو به افغانستان، نیروهای ناتو اعلام کرده اند که مسئولیت امنیت افغانستان را تا سال ۲۰۱۴ به نیروهای داخلی این کشور منتقل میکنند. البته همزمان اعلام کرده اند این به معنی تخلیه کامل افغانستان نیست. سخنگوی ناتو اعلام کرده تا زمانی که نیاز باشد و افغانستان سر پای خود بیايستند و تروریستان در این کشور پناه گاهی نداشته باشند نیروهای ناتو در افغانستان باقی خواهند ماند.

مصطفی رشیدی

## سرکرده دزدان - باز هم یارانه ها!



فضای سیاسی ایران همچنان یکسر در قرق پییده یارانه هاست. زندگی معمولی و روزمره مردم تا سیاستها و روندهای اصلی اقتصادی و سیاسی آن جامعه به این روند گره خورده است. مساله بسادگی اینستکه اکثریت بزرگ آن جامعه، کارگر و مردم زحمتکش چگونه خواهد توانست گلیم خود را از قیمتهای افسار گسیخته بیرون بکشند؟ تا بوده، این حکومت جز

سیف خدایاری

## فاشیسم ایرانی بر خرابه های افغانستان

صفحه ۴

سعید آرمان، دبیر سازمان سراسری پناهندگان

## محمد اشرفی فعال کارگری ایران را از زندان یونان نجات دهید

صفحه ۴

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگران جهان متحد شوید!



دانشجویان در این فاصله پرتحول ترین کشمکشها را که در کل فضای سیاست ایران تاثیر گذاشت را از سر گذرانند. به همین دلیل امروز اتفاقات مهم و جدی چند سال گذشته بار دیگر زیر ذره بین خواهند رفت تا با استفاده از آن تجارب، گرایشات مختلف هر کدام راه حل خود را در مقابل دانشگاه و دانشجویان قرار دهند.

در این میان جمهوری اسلامی نیز ساکت نیست، طرف اصلی جدال در دانشگاه دولت حاکم با تمام دستگاههای سرکوب و با همه میبیا و تشکلهای و مدافعین خود در دانشگاه بوده است. از هم اکنون اقدامات به گفته سران دول غربی این تصمیم تحت عنوان "مهمترین تصمیم ۱۵ سال گذشته ناتو" است. راسموسن، دبیرکل ناتو از این تصمیم بعنوان دستیابی به یک طرح استراتژیک جدید برای ده سال آینده ناتو و دول غربی نام برده که قرار است نقش ناتو را با توجه به تغییرات جهان و چالشهای جدید باز تعریف کند.

محصول این توافق، برخلاف ادعاهای پراکنده سران دول غربی و میبیا، نه ربطی به صلح، امنیت و رفاه و آسایش مردم افغانستان دارد و نه ربطی به پروسه بازسازی و سپردن سرنوشت مردم افغانستان به دست خودشان! این توافق بر سر خروج نیروهای نظامی ناتو از افغانستان هم نیست. این توافق ادامه کنفرانسهایی است که برای برون رفت امریکا و غرب از بن بست افغانستان،

آنها برای ممانعت از اعتراض و تلاش برای ادامه فضای ارباب در دانشگاه به کار افتاده است. دستگیری و تهدید شروع شده است. این در شرایطی است که در این چند سال تلاشی جدی

صفحه ۲

برای تقسیم قدرت میان نیروهای ارتجاع اسلامی در افغانستان، برگزار کرده اند. کاهش نیروهای نظامی ناتو در افغانستان، عقب نشینی آنها به مراکز نظامی خود، پیش شرط گلبین حکمیتار برای هر نوع مذاکره و توافق و آتش بسی با دولت حاکم و نیروهای امریکا بود. شروع پیمان جنگی است که نیروهای ناتو به سرگردگی امریکا و بریتانیا در یک طرف آن قرار دارند و طالبان و القاعده در سوی دیگر آن. این توافق قرار است تلاش دولت امریکا و دول متحد آن برای نجات خود از باطلات مرگی است که در افغانستان بوجود آورده اند، را به سرانجام برساند. می خواهند شکستی که خورده اند را با "حداقل لطمات" تمام کنند. در عین حال این توافق بخشی از "بی درسر" کردن دشمنان "خطرناک،

صفحه ۳

روز روشن، در جوهره اصلی طرح عظیم اقتصادی خود دولت با گامهای بزرگ از هر گونه وظیفه تامین نیازهای پایه عقب میشینند، و با هر گام سر و کله پندیده های دیگری پیدا میشود که در مقابل مردم و انتظاراتشان قد علم میکند. ابراز وجود محتکران از يك طرف و بازار قیمتها از طرف دیگر بسیار چشمگیر است.

بنا به اظهارات احمدی نژاد دولت وارد فاز نهایی اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها شده است. بنا به این ادعا، با واریز شدن مبالغ وعده داده شده به حساب مردم، ۹۰ درصد طرح به سرانجام رسیده است. بقول ایشان در یقتمی موفقیت

صفحه ۳

## ۱۶ آذر، حقانیت افق و پرچم...

برای سد و خفه کردن هر صدای اعتراضی و بستن هر منفذی که امکان بروز عدالتخواهی و آزاد اندیشی و دفاع از آزادیهای سیاسی و برابری را بدهد صورت گرفته است. این دریچه ای برای کور کردن هر امیدی به زندگی بهتر در کل جامعه است.

سیاسی، هر کدام به نحوی، سپیم شدند. امر مشترک همه اینها کنار گذاشتن شبی بود که پرچم برابری طلی را بر فضای سیاسی ایران به اهتزاز درآورد و مهر نسل جوان کمونیست آن جامعه را بر فضای اعتراضی همه مراکز تحصیلی زد.

از آن دوران دو سال میگذرد، در این مدت جنبش سبز بر بستر سرکوب جنبش برابری طلبانه در دانشگاه، بر متن تعرض به صف طبقه کارگر و همه جنبشهای مترقی، و در حمایت اغلب نیروها و جریانات بورژوازی از راست ترین تا چپ ترین آنها، پا به میدان گذاشت. سبز در دانشگاه بر شانه های همه آن احزاب و انجمنها و محافل اعتراضی در دانشگاهها را نمایندگی کردند، آزادی و برابری، دفاع از برابری زن و مرد، دفاع از وسیعترین آزادیهای سیاسی و دفاع از مطالبات طبقه کارگر و اعتراضات این طبقه، بعد از ۲۵ سال حاکمیت جمهوری اسلامی برای اولین بار در سطحی وسیع و توده ای در مهمترین دانشگاههای ایران علم شد. این جریان کل مراکز تحصیلی را حول افق و پرچم آزادی و برابری قطبی کرد و توجه دهها هزار دانشجو را که توقعی انسانی از زندگی خود داشتند به خود و جلب و اول خود متحد کرد. جریانات تحکیم وحدت و انجمنهای اسلامی همراه با صف ناسیونالیست و لیبرال و دهها قوم پرست همگی حاشیه ای شدند. نشریه چپ و مارکسیستی شروع به فعالیت کردند، فضای پرشور و زنده ای در دانشگاهها حاکم شد. دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، توجه طبقه کارگر و انسان دردمند را به خود جلب کردند، دانشگاه و کارخانه و اعتراض کارگر و زن در جامعه به هم وصل شدند. این تحرک نشان داد که بر عکس تاریخ کل چپ لیبرال و خلقی و دمکرات و... ایرانی، کمونیسم با ماکزیالیسم خود با توقع بالا و با گفتن کل اهداف خود، بیشترین قدرت را برای توده ای شدن و جمع کردن نیرو دارد. نشان داد که سرکوب و اختناق حاکم نمیتواند مانع اتحاد صافی باشد که تصمیم به تغییر در زندگی به نفع طبقه کارگر و مردم تشنه آزادی را همین امروز دارد و برای تاثیر و تغییر در دنیای نابرابر به میدان آمده است. و همین هم مایه نگرانی جدی رژیم و کل جریانات و گرایشات بورژوازی در جامعه شد. این تحرک توسط جمهوری اسلامی سرکوب شد، و در این سرکوب کل صف مقابل، از تحکیم وحدت تا انجمنهای اسلامی، از لیبرال و ناسیونالیست و نئوتوده ای تا بخش زیادی از جریانات و سازمانهای

برابری و حق زن و آزادیهای سیاسی، بلکه از سکولاریسم نیم بند هم تهی است. این دوره اگر درسی داشته باشد همین است. آزادیخواهی و برابری را تنها جریان و جنبشی میتواند تامین کند که در تامین آن نینفع است و این کمونیسم طبقه کارگر، کمونیسم مارکس است. این کمونیسمی است که نسل جوان در دانشگاه نمایندگی کردند. بورژوازی با هر نام و زیر هر پرچم و با هر رنگی و با هر جدال و جنگ و دعوی درونی، علیه طبقه کارگر و آزادیخواهی کارگری کمونیستی در یک سنگراند. این حکم مبارزه طبقاتی است که دوره کنونی و آنچه در این دو سال اتفاق افتاد به زحمت ترین شیوه حقانیت آن و حقانیت کمونیستهای طبقه کارگر را نشان داد. دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب سرکوب شدند اما پرچم افقی که در مقابل جوانان در جامعه گشتند، جواب به نیاز واقعی این جامعه و بخش اعظم مردم آن از نگاه طبقه کارگر و کمونیسم است و در دل میلیونها انسان زنده است. مبارزه و اعتراض رادیکال در دانشگاه، تلاش برای شکستن فضای سرکوب و ارباب و تامین آزادیهای سیاسی و ابتدائی ترین حقوق انسانی، تنها و تنها در گرو بدست گرفتن همان افق و پرچم است.

این دوره نشان داد که اگر حتی برای یک نوره موقت ارتجاع حاکم بتواند، حضور و نقش و تاثیر کمونیستها را کم رنگ کند، چه جهمی در انتظار نسل جوان در دانشگاه خواهد بود و چه ارتجاع عریانی با فرهنگ و سنت عهد عتیق زیر بیرقهای مختلف رنگین کمان سبز عروج خواهند کرد. امروز با کنار رفتن گرد و غبار و فضای سنگین آن دوران، بار دیگر باید جریانات بورژوازی و مرتجع را حاشیه ای کرد. امروز باید نقش و تاثیر آنها را در عقب گردی که به دانشگاه تحمیل کردند به عنوان کارنامه آنها به گرنشان آویخت. جامعه به چپ خود محتاج است، کمونیسم جواب واقعی و انسانی مشفاتی است که به طبقه کارگر و زن و جوان آن جامعه تحمیل کرده اند. امروز ضروری است نسل جوان و دانشجویان رادیکال با اتکا به تجارب این چند سال، با سربلندی و افتخار از این دوران دفاع کند و صف خود را متحد و آماده جدالهای جدی پیش رو کند.

## زنده باد آزادی و برابری

## حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

چهارم آذر ۱۳۸۹ - ۲۵ نوامبر ۲۰۱۰

## "آنها با خشم فریاد ..."

دیگر خبری در دست نیست. این بخشی از زندگی روزانه طبقه ای است که مجبور است بعد از هر اتفاق، بعد از ماندن اجساد یاران و رفقا و همکاران خود زیر زمین، فردایش با اندوه عمیق و ترس، واهمه و نگرانی، طلا و ذغال و .. از اعماق زمین حفر کند و چرخ تولید را بچرخاند. نیاز به زنده ماندن در برده داری مدرن معاصر به او حکم میکند این جهنم را به عنوان زندگی و سهم خود از "قانون و عدالت" مناسبات حاکم ببیند.

۲۹ کارگر معدن ذغال ترکیبی از کارگر آفریقای جنوبی، بریتانیایی، استرالیایی و نیوزیلندی است. این تولیدکنندگان ثروت هر کدام از نقطه ای راه افتاده و به حکم قانون بقا در نظلم وارونه و ظالمانه کنونی، در معدن ذغال شهر گرموت نیوزیلند جمع شده اند، تا ثروت برای صاحبان سرمایه تولید کنند و زندگی خود را بچرخانند.

شهرداری گرموت در مورد عکس العمل خانواده و بستگان ۲۹ کارگر معدن میگوید "آنها با خشم فریاد میکنند" و نخست وزیر این کشور در کمال وقاحت مردم را به دعا خواندن دعوت میکند. این جواب و راه حل حاکمین نیوزیلند به خشم بر حق انسانی است که عزیزترین کسان خود و همزمان نان آوران خانواده خود را از دست داده اند. راه حل آنها برای افزایش سود و ثروت زدن معیشت کارگر و دستمزد او و کار سخت بیشتر است و راه حل آنها برای کارگر در مقابل جنایتی که در حقتش میشود دعا خواندن است.

این سرنوشت محتوم ما نیست. این سهم از زندگی شایسته هیچ انسانی نیست. این توحش افسار گسیخته نظامی است که دولت و قانون و حقوق و همه چیز ساخته دست اقلیتی مقتدر حاکم است. نظامی که هزینه ۱۲ میلیون پوندی عروسی پرنس انگلستان، ۲۰۰ میلیون کرون عروسی ویکتوریا شاهزاده سوئدی و ۲۰ میلیون پوندی سفر پاپ به انگلستان را به عنوان "حق و قانون"، از جیب شهروندان و نیروی کار آن جامعه به زور سگ و پلیس تامین میکند، و سهم صاحبان و تولیدکنندگان واقعی ثروت را فقر و گرسنگی تعیین کند را، هزار بار باید به زیر کشید. این تنها راه و عادلانه ترین راه در مقابل ما است. این تنها راه خاتمه دادن به فاجعه های هر روزه کشتار بخش کارکن جامعه در معدن و کارخانه و جنگ و زندان و .. است. این تنها راه تامین زندگی قابل تحمل و در شان انسان است. این دنیا وارونه است. این دنیا را باید از قاعده بر زمین گذاشت.

## زنده باد جمهوری سوسیالیستی

## افغانستان، پایان جنگ...

تروریست، خیبت" غرب و امریکا و تقویت موقعیت آن بخش از جریانات اسلامی و قومی ارتجاعی در منطقه است که برای غرب و امریکا کم خطر تر هستند. پشت این توافق، تلاش چند ساله دول غربی برای پذیرفتن طالبان و داورسته های ارتجاعی اسلامی بر سر سفره قدرت در افغانستان برای پایان دادن به جنگ تروریستها، خوابیده است. سهم کردن دشمنان کم در دسترتر در قدرت و سپردن وظیفه به تباهی کشیدن زندگی مردم در منطقه، به شرط "حفظ آرامش" در مقابل غرب، هسته اصلی استراتژی جدید ناتو و امریکا در منطقه است.

پس از نه سال جنگ و ادعای پوچ مبارزه با تروریسم، نه سال قلدری نظامی و دامن زدن به تفرقه و دشمنی قومی و مذهبی در افغانستان، امروز سران امریکا و بریتانیا به این نتیجه رسیده اند که بحران افغانستان راه حل نظامی ندارد و باید به این بحران بعنوان یک مشکل "سیاسی" برخورد کرد و راه حل چند جانبه "سیاسی" برای آن پیدا کرد. و راه حل چند جانبه سیاسی، اسم رمز مذاکره با طالبان و سهم کردن آنها در قدرت، حقه کردن جریانات ارتجاعی به مردم افغانستان، و واگذار کردن سرنوشت آنان به تعادل های منطقه ای میان دول ارتجاعی ایران، پاکستان و نیروهای مانند طالبان و القاعده است.

حمله ای که نه سال پیش، پس از فاجعه تروریستی ۱۱ سپتامبر، به بهانه مبارزه با تروریسم اسلامی، دستگیری بن لادن و سرنگونی طالبان شروع شد، نتیجه ای جز به تباهی کشاندن زندگی مردم افغانستان و باز کردن هرچه بیشتر دست جریانات ارتجاعی قومی، اسلامی، جنبائیکار، گنگستر و قاچاقچی مواد مخدر، در تعرض به زندگی مردم، و میدان دادن بیشتر به ارتجاع اسلامی در منطقه، نداشت. صدها هزار کشته، هزاران نفر معلول، میلیونها نفر آواره حاصل این جنگ خونین تروریستها در افغانستان است. آشتی امروز اینها هم نتیجه ای جز تباهی بیشتر مردم افغانستان ندارد.

سعادت و آسایش مردم ایران و افغانستان در گرو نابودی همه این جریانات ارتجاعی است. پیش شرط دستیابی مردم افغانستان به یک جامعه آزاد و انسانی در این کشور رهایی مردم افغانستان از بختک اسلامی- مافیایی، و قطع حمایت غرب از دارو دسته های ارتجاعی در منطقه است.

## سرکرده دزدان ...

توطئه دشمنانی را باید خنثی کرد. دولت و مقامات گرانفروشان و محترکان را انگشت نما میکنند؛ کسایتیکه بطور مصنوعی قیمتها را بالا میبرند، سوء استفاده گران، مفسدین اقتصادی تهدید شده اند و نیروهای بسیج برای سرپرستی اصناف بازار را برای خنثی ساختن توطئه گسیل گشته اند. ظاهرا این رژیم انتظار دارند چند صبحی مردم را با نمایش "مبارزه با گرانفروشی" سرگرم کنند. اعتراض مردم را متوجه تعدادی سودجو و توطئه گر سازند و لاید در سناریوی تکمیلی همیشه آشنا، جلوی دوربین تلویزیونها درب انبارهای مخفی را باز کنند و شاید چند نفری را هم به پای چوبه دار ببرند. این نمایش بلندآوازه کافی نخ نما و رسوا هست که خیری برای جمهوری اسلامی به همراه نداشته باشد.

گرانی و گرانفروشی اید پدیده جدیدی در دنیای بازار و سرمایه، و در نوع سراپا عفونی جمهوری اسلامی ایران نیست. اما هر شاگرد کلاس نوم ابتدایی میتواند برای آقای رئیس جمهور استدلال کند که افزایش قیمت مایحتاج مردم در ابعاد سراسری را نمیشود به گردن حرص و سودجویی فروشندگان انداخت. فروشنده اصلی بخش مهمی از این اقلام خود دولت است. تازه اگر بحث بر سر تعدادی محترک و گرانفروش است، چرا دولت در اجرای تکالیف قانونی خود کوتاهی میکند؟ مگر نه اینستکه دولت فخریه و دستگاه اطلاعاتی آن در پیدا کردن چهار برگ اعلامیه و کتاب "ضد انقلابی" دانشجویان معترض دست هر چه جاسوس و نیروی ضربت دنیا را از پشت بسته است؟ مگر نه اینستکه دستگاه اطلاعاتی متبوعه ایشان از ایمیل تا حساب بانکی و مکالمات و رفت و آمد مخالفان سیاسی را زیر کنترل کامل دارند؟ مگر نه اینستکه از زیر سنگ هم که شده مخالفان را شکار و به زندان میسپارند؟ چطور شد در رفتار با مخالفان سیاسی هیچ "قانونی" رعایت نمیشود، دادگاه و وکیل و شاهد و دفاع و حقیقت یکسر چرند بحساب میاید اما در مقابله با محترکانی که بقول خود، ریاست جمهوری بخوبی خبر دارد که خون مردم را در شیشه کرده اند، اینهمه این پا و آن پا میشود؟ چگونه است برای حجاب اجباری قشون قشون به خیابانها گسیل میشود، چگونه است دولت برای سرکوب کارگران معترض ایران تایلر و لوله سازی اهواز سرباز قلتنش و زندان و کم نمیآورد؟

تعقیب سلسله اینگونه سوالها اید و صدها رهبر کارگری در زنداند، ضروری نیست. حقیقت اینستکه بر علیه دزدی و سرگردنه گیری اول باید سراغ خود دولت و اعوان و انصارش اقتصادی، همه همپالکی های رنگارنگ دلسوز نظامشان سخاوتمندانه از منبر و میکروفون برخوردارند و در عوض دزد نان و تحصیل کودکان و دزد زندگی و دلخوشی اکثریت بزرگ مردم شریف و زحمتکش آن جامعه هستند. پوپولیسٹی این دولت در هدفمند کردن اینها دزد اختیارات مردم بر سرنوشت روزمره خود هستند. مردم خود محترک و سوجویان را میشناسند. يك روز آزادی کافی است تا این بساط را در هم بپیچند. برای زنجیر کردن محترکان سود جو و برای برگرداندن شرافت به هر کاسب کار سرکوب اول باید سراغ خود دولت، خود سرکردگان رژیم رفت.

اما در مورد پدیده "بازار" ظاهرا کار به این سادگی نیست. دستهای "نامرئی" که تورم را بالا میبرند. ارزش پول،

قیمتها، عرضه و تقاضا، قیمت برابری ارز در مقابل دلار را دیگر نمیشود بسادگی به نیت و تصمیمات دولت نسبت داد. دستهای نامرئی که در يك چشم زدن و با تغییر تورم تمام ارزش یارانه های نقدی را در همان آستانه واریز شدن به حساب مردم، دود کرد و بهوا برد! اجازه بدهید بجای غرق شدن در سیکل معیوب سوالات اقتصاد سیاسی و آنهم از زبان معوج مقامات و دست اندرکاران جمهوری اسلامی، این واقعیت ساده و اساسی را جلوی صحنه ببریم که آن جامعه بر منطق سرمایه داری استوار است. تورم و نوسان قیمتها جزو ذاتی منطق این جامعه است. اینها مکاتبیم ساده جامعه برای دفاع و حفظ سود سرمایه داران است. پاسخ طبقاتی کارگران در مقابل این پدیده از صد سال پیش روشن و گویا بوده است: سرمایه داران و صاحبان جامعه هر غلطی با اقصانشان میکنند، ولی عجالتا و فورا باید ضایعه تورم را با افزایش پرداختی به کارگران جبران سازند! انتظار برای هر گونه راه حل دیگر، انتظار برای بهبود اقتصادی بیهوده است. تورم و نوسانات بازار بخوبی گویای بی تابی سرمایه برای حفظ فوری منافع خود است.

احمدی ژاد و دولت اش بیجا میکند دم از دفاع از منافع مردم زحمتکش میزند در صورتیکه قاطعانه و بیرحمانه کارگر و مردم زحمتکش را از هرگونه امکان دفاع از خود محروم ساخته است. سرمایه دار و انبار و کارخانه و فروشگاه و قیمت گذاری دلخواه و بانک مرکزی و بورس و محترک را بجان مردم انداخته اند و در عوض شکل کارگری و سندیکا ممنوع است، اسلانو

تولتی بعنوان یارانه هدفمند چقدر در دنیای واقعی به نیازهایشان پاسخ خواهد داد. تا همین جا این طرح امتحان خود را پس داده است. حتی در دوران "طلائی" گذشته قیل از اجرای طرح یارانه ها، اعتراض گسترده و عمیق بر علیه فقر و فاصله طبقاتی در دل جامعه غلیان داشته است. ایران جامعه ای در حال انفجار از اعتراض و ناراضیاتی بحساب آمده است. مردمی که دولت جمهوری اسلامی را بابتی و مدافع يك نظام مملو از ستم و تباهی و استثمار بحساب آورده اند. جامعه ای که اعتراض و خواست و مطالبات کارگری بیش از هر پدیده دیگری نیرو و سمپاتی را گرد خود آورده است. این جامعه بیش از هر زمان در ناراضیاتی و دلهره بسر میبرد. دولت باید فورا و بدون هیچ کم و کاستی تامین زندگی و نیازهای مردم را بعهده بگیرد. این اعتراض و خواستی است که باید در آن جامعه موج بزند. کارگران در صف اول و ستون فقرات این اعتراض هستند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

به اتحادیه‌های کارگری یونان

به همه اتحادیه‌ها، نهادها و مراجع مدافع حقوق انسان

## محمد اشرفی فعال کارگری ایران را از زندان

## یونان نجات دهید



این کشور منتقل شده است.

دوستان گرامی!

میکنند. سوابق اینچنین احضارهایی در قبال جان و امنیت محمد اشرفی برای سایر فعالین کارگری توام با مسئول میدانیم. محکومیت به زندان چندین ساله و لذا مصراغه از شما میخواهم به یاری شکنجه بوده است. لذا آقای اشرفی برای حفظ جان خود ناچار به ترک ایران میشود.

اکنون دولت یونان این فعال کارگری را بیش از سه ماه در زندانهای خود نگاه داشته و او را در اضطراب و شرایط اسفبار روحی و جسمی نگاه داشته است. در این مدت نه خانواده محمد اشرفی و نه ما هیچ خبری از سرنوشت او نداریم. این عمل شنیع دولت یونان در حالی صورت میگیرد که هر از چند گاه فرش قرمز برای قتلان و استعمار کنندگان کارگران و مردم ایران پهن میکنند. طبیعی است که دولت یونان را نهادهای مدعی حقوق انسان میباشد.

محمد اشرفی یکی از فعالین شناخته شده جنبش کارگری ایران و عضو "کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای آزاد کارگری" مورد تهدید ماموران امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفته و برای حفظ جان خود ناچار به ترک ایران شده است. آقای اشرفی در کشور یونان دستگیر و به یکی از زندانهای این کشور منتقل شده است.

منصب قرار دارند. اما در این مورد مشخص ناسیونالیسم ایرانی چندین پدیده اجتماعی مانند تن فروشی، قاچاق، قتل، تجلوز که همگی از داده‌های "طبیعی" سیستم بردگی مزدی و از خوبیگانی بشر هستند را کنار هم قرار می‌دهد و آن را در دستگاه ملی - مذهبی خویش می‌ریزد تا زشت ترین محصول نفرت قومی از آن بیرون آید. خبرنگار سرویس اجتماعی آینده که از فرط ابتدال اندیشه هایش حتی نمی‌تواند اسم خود را پای نوشته‌اش بیورد با ترکیب چنین داده‌هایی و آغوشن آنها به احساسات ملی - مذهبی، شوونیسم ایرانی را در مبتدل ترین شکل خود به نمایش گذاشته است به طوری که حتی نقل قول از آن نوشته‌ها چندش آور است.



سیف خدایاری

## فاشیسم ایرانی بر

## خرابه‌های افغانستان

مذهبی این تصاویر به منظور تکمیل و معضلاتی می‌کنند که جزو سرشت کردن هدفی است که در اصل نویسنده نظام بردگی مزدی است. در فرانسه برگزیده است و آن تخفیف بحران نظام دولت سارکوزی "تاهمگون ترین" سرمایه داری با خراب کردن آوار بر سر ضعیف ترین اقشار جامعه و طبقه کارگر و در اینجا کارگران افغانی می‌باشد. انسانهایی که در این مناسبات اجتماعی قرار می‌گیرند قربانی نابرابری و محصول جامعه‌ای هستند که در آن انسان به کالا تبدیل شده است. پسوند ایرانی، افغانی یا هر " قوم و تباری" به انسانهای تن فروش، قاچاقچی مواد مخدر و افراد متجاوز به منظور اهداف سیاسی دیگری است که گوشه‌هایی از آن در این نوشته آمده است. وجود یک مفهوم انتزاعی به نام مرز نمی‌تواند در تغییر مناسبات اجتماعی انسانها تفاوتی ایجاد نماید. دختری که در خراسان و بلوچستان به فروش می‌رود با همان معیارها به فروش می‌رود که در بدخشان و هرات و پسوند "ایرانی" یا "افغانی" در ماهیت خریدار تغییری ایجاد نمی‌کند.

اعتراض نویسنده به کار و اقامت تعدادی از شهروندان افغانی در ایران شاید از انگیزه‌های اصلی نویسنده است. در دورانی که سرمایه داری در شدیدترین بحران‌های اقتصادی - سیاسی فرو رفته است برای تخفیف بحران جامعه را متوجه جرائم اجتماعی

موضوع کمابیش آشنا و تکراری است. ناسیونالیسم ایرانی که وجدان بیدار نظام سرمایه داری با ترکیبی از احساسات ملی و مذهبی است تلاش می‌کند برای کاهش دردهای مزمنی که وجودش را گرفته دور از هر وجدان و پرنسیپی بار تمام کثافت و جراحات را روی "ملت" های دیگر بیندازد.

سایت آینده نیوز که خود را رسانه مستقل ایرانیان معرفی می‌کند و در این نوشته معلوم می‌شود که کلمه مستقل اگر کاربردی برای گردانندگان این سایت داشته باشد باید گفت مستقل از وجدان و پرنسیپ انسانی هستند، مطلبی با نام " روایتی از زنان ایرانی که به مردان افغان فروخته می‌شوند" منتشر کرده است و در یک صفحه چند پرده از شناعة ناسیونالیسم ایرانی و کینه و نفرت کور قومی علیه افغانستانها را به نمایش گذاشته است. این نوشته در سایت روشنگری نیز- لایب برای "روشن" کردن اذهان "هموطنان" درج شده است.

نویسنده " قوم خو گرفته به فحشا" را مورد هجمه قرار می‌دهد که "هموطنان خوش غیرتمان" را خریداری می‌کنند و در جایی دیگر به چند میلیون تومان سترنج "کارگر افغانی" چشم دوخته است که بزعم وی "به عنوان نیروی کار جلیگزین کارگر ایرانی" به تاراج رفته است و البته از همین "سرمایه ملی" برای خرید دختران و زنان خراسان و بلوچ استفاده می‌شود که "ظاهر بهتری" دارند و آخر سر اشک تمساح وار خود را بر " بر این دخترکان ایرانی پس از چند سال، چهره‌ای تکیده از این ایرانیان نشسته با افغان‌ها باقی می‌ماند" می‌ریزد.

البته که تمام صحنه‌های فیلم و بخشی از فاکت‌های مورد اشاره این نوشته منهای بار ناسیونالیستی و مذهبی آن چندش آور و آزار دهنده است. فروش دختران برای سیر کردن شکم بقیه افراد زیست اقشار فرودست و انباشت سود توسط باندهای مافیایی و مذهبی تبدیل شده است، و اتفاق در راس این باندهای ایران اسم و نام دار اصیل و صاحب

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

# زنده باد سوسیالیسم